روزنامه شرق

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵
۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۴ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۸
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



واکاوی چشم‌انداز تکاپوهای بی‌امان کشورهای عربی برای میانجیگری بین تهران و واشینگتن در گفت‌وگو با محمدصالح صدقیان

دیپلماسی عربی میان بیم و امید

۶

در «شرق» امروز می‌خوانید: آمادگی اروپا برای استقرار نظامیان در اوکراین • بازاری که هنوز بوی زندگی می‌دهد • تعداد کارگران خانگی هر روز بیشتر می‌شود • دوئل سرنوشت برای بودن یا نبودن

حمله آمریکا به قشم؛ درگیری در سایه ادعای مذاکره و آماده‌باش نظامی

تنش در جنوب، دیپلماسی در ویترین

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

پزشکیان:

رهبر انقلاب در زمینه مذاکرات اختیاراتی به دولت داده‌اند

برگزیده‌ها

پیامدهای یک مصوبه که صاحبان خودروهای فرسوده را برای سوخت‌گیری، گرفتن معاینه فنی و مسافرکشی محدود می‌کند

نان‌آوری با خودروهای از نفس‌افتاده

۵

آمریکا می‌خواهد گاز روسیه را از مسیر خطوط لوله اوکراین به اروپا بازگرداند

جدال واشینگتن و اروپا بر سر گاز روسیه

۴

افزایش ۶۵ درصدی مرگ‌های ناشی از سوانح و حوادث غیرعمدی در تهران

معمای ۲۱۸۳ مرگ بیشتر

۷

روایت کارگران آردکوه از حقوق ۲۰ میلیونی کار در میان زباله‌های عفونی و ترس از اخراج

از زباله‌های عفونی تا سفره‌های خالی

۷

حمید علیدوستی در جمع دوستداران تشییع شد

۸

بسیاری از خانواده‌های پرجمعیت مشمول قانون جوانی جمعیت می‌گویند وعده زمین رایگان محقق نشد

فرزندآوری بدون حمایت

۳

یادداشت

چگونه همبستگی ملی به پایان می‌رسد



محمدرضا یوسفی‌شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

کشور در موقعیت خطیری قرار گرفته است. بیش از ۱۵ ماه از پشت سر گذاشتن دو جنگ با دو قدرت اتمی و نظامی می‌گذرد و احتمال وقوع جنگی دیگر نیز جدی است. برخلاف پیش‌بینی تحلیلگران، قطب‌بندی اجتماعی در زمان جنگ تشدید نشد و نوعی بازگشت به ارزش‌های مشترک هویتی و افزایش همدلی میان اقشار مختلف رخ داد. آنچه در این دوران، به‌ویژه پس از جنگ ۴۰روزه، کاملا محسوس بود، همبستگی و همدلی عموم مردم در برابر دشمن خارجی بود. مقامات این همدلی و مقاومت ملی را «انسجام ملی» نامیده و بارها آن را ستوده‌اند. اگر بتوان این فداکاری مردم و مقاومت آنان در مقابل تجاوز بیگانه را «انسجام ملی» نامید، باید هشدار داد که این انسجام ماهیتی دوگانه و ناپایدار دارد: از یک سو، در برابر تهدیدهای خارجی و بحران‌های امنیتی همبستگی بالایی مشاهده می‌شود و از سوی دیگر، کشور در سطح ساختاری و روزمره با فرسایش سرمایه اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و شکاف‌های معیشتی روبه‌روست.

بر اساس پیمایش‌های انجام‌شده، شاخص سرمایه اجتماعی از حدود ۴۴ در سال ۱۳۹۴ به حدود ۳۷ در سال ۱۴۰۴ کاهش یافته است؛ یعنی ریزشی حدود هفت واحد در یک دهه. کاهش سرمایه اجتماعی عمدتا در سطح کلان و در حوزه اعتماد به نهادهای حکمرانی رخ داده است. همچنین ۷۵ درصد مردم احساس نابرابری، بی‌عدالتی و تبعیض در فرصت‌های اجتماعی دارند و حدود ۶۰ درصد نسبت به بهبود شرایط آینده امیدوار نیستند که به آن «نرخ ناامیدی مطلق» گفته می‌شود (تسنیم، ۲۶ خرداد ۱۴۰۵). به همین دلیل، وضعیت کنونی ایران را شاید بتوان «همبستگی در شرایط بحرانی» دانست. این همبستگی عمدتا متکی بر هویت ملی، دینی و حس میهن‌دوستی است. احساس تهدید مشترک، مرزهای سیاسی معمول را موقتا کم‌رنگ کرده است. بر همین اساس، در همان پیمایش، ۷۶ درصد مردم اعلام کرده‌اند که به ایرانی‌بودن خود افتخار می‌کنند.

نکته جالب آن است که از سویی ۷۶ درصد مردم به هویت ایرانی خود افتخار می‌کنند، اما ۷۵ درصد آنان نسبت به بی‌عدالتی در ساختارهای کشور معترض‌اند. این شکاف نشان می‌دهد جامعه «هویت ملی» را از «عملکرد نهادهای حاکمیتی» جدا کرده است. با توجه به نکات فوق، گسترش فقر و نابرابری در یک سال اخیر، ازدست‌رفتن چندصد هزار فرصت شغلی و رشد افسارگسیخته نرخ ارز و تورم، نکته کلیدی این است که این نوع همبستگی ماهیتی واکنشی و موقت دارد. با تداوم محاصره اقتصادی، جنگ یا فضای آن و پیش‌بینی تداوم و تشدید رکود تورمی، احتمال دارد همبستگی ملی که در زمان جنگ شکل گرفته است، به‌تدریج جای خود را به نارضایتی دهد.

این همبستگی تنها در صورتی به سرمایه‌ای پایدار تبدیل می‌شود که نهادهای رسمی آن را در سیاست‌گذاری‌های ملموس تثبیت کنند؛ سیاست‌گذاری‌ای چندلایه که ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. تداوم همبستگی ملی با به‌رسمیت‌شناختن تکثر آرا، پایبندی به حقوق متقابل، وحدت حول منافع ملی و پرهیز از دوقطبی‌سازی ممکن است. تجمعات خیابانی نشانه اجتماعی این همبستگی ملی بوده و هست؛ اما اقلیتی پرسروصدا که با اعتقاد به حق مطلق دانستن خود و انحصار آن در خویش و بهره‌مندی از رانت‌هایی از درون نظام، تکثر جامعه را به رسمیت نمی‌شناسند، حقوق دیگر گروه‌های فکری را نادیده می‌گیرند و در پی دوقطبی‌سازی هستند. آنان با ادبیاتی موهن و تعابیری زننده از شخصیت‌هایی که اکنون در کشور دارای سمت هستند یا زمانی در بالاترین سطح کشور مسئولیت داشته‌اند، همبستگی ملی را خدشه‌دار کرده‌اند. آنان از آزادی عمل خویش سوءاستفاده کرده، در مکان‌های مقدس با تعابیری زننده به تاخت‌وتاز مشغول بوده‌اند و در شرایطی که همبستگی ملی ما کاملا موقتی و در معرض آسیب است، به‌هم‌زدن آن را دانسته یا نادانسته هدف قرار داده‌اند و از این جهت موجب تضعیف جایگاه تجمعات خیابانی نیز شده‌اند.

حداقل کاری که حاکمیت در تقابل با این گروه پرسروصدا می‌تواند انجام دهد، اجازه‌دادن به سایر احزاب قانونی برای راهپیمایی در چارچوب قانون اساسی به‌منظور بیان دیدگاه‌هاست. از این طریق نباید اجازه دهد که روایت‌سازی اقلیت بر تصمیم‌سازی‌ها غلبه کند. تقویت انسجام با رفع تبعیض و ایجاد عدالت فراگیر، تبدیل همبستگی موقت در شرایط بحرانی به مشارکت نهادی پایدار، به رسمیت شناختن تنوع‌ها و مدیریت آن و تقویت فضای گفت‌وگو ممکن است. اتخاذ رویکردها و سیاست‌های کلان نیز بحثی مستقل می‌طلبد.

یادداشت

کالبدشکافی یک مناقشه پاییزی

وقتی تقویم رسمی به مطالبات نسلی پاسخ نمی‌دهد



امیرعباس میرزاخانی

طرح مسئله: خیابان به مثابه آیینه شکاف ذائقه

رویدادهای واپسین روزهای مهر و اوایل آبان‌ماه در کلان‌شهرها و برخی مقاصد گردشگری کشور، بیش از آنکه رویدادی گذرا در تقویم فصلی باشند، نشانه‌ای از یک عارضه دیرپای سیاستی به شمار می‌روند. استقرار گشت‌های نظارتی در کانون‌های گردهمایی پایتخت -از راسته خیابان ایرانشهر تا کرانه‌های بوستان هنرمندان- همگام با ابلاغیه‌های سخت‌گیرانه صنفی به کافه‌ها مبنی بر قدغن‌بودن هرگونه میزبانی، سرویس‌دهی و پذیرش دورهمی‌های مرتبط با رویدادهای فصلی نوظهور، الگویی مکرر از مواجهه واپس‌گرایی با رفتارهای فراغتی را به نمایش گذاشت. این محدودیت‌ها فقط به مراکز پذیرایی محدود نماند و با اعمال کنترل بر اقامتگاه‌های بوم‌گردی کویر مرکزی ادامه یافت. مسئله اما با اتمام ساعات مأموریت ناظران یا بازگشت آرامش ظاهری به پیاده‌روها خاتمه نمی‌یابد، بلکه این پرسش ساختاری را پیش می‌کشد که چرا انرژی متراکم فراغتی در میان طبقات نوخاسته، پیوسته مجراهایی خارج از هندسه رسمی فرهنگ برای برون‌ریزی برمی‌گزیند؟

تبارشناسی رفتار نسل «زد»؛ کارناوال در عصر زیست‌جهان سایبری

درک انگیزه نسل موسوم به «Z» در گرایش به الگوهایی چون هالووین، مستلزم گسست از انگاره‌های سنتیِ «تهاجم و انفعال» است. این گروه سنی نه در پی بازتولید مناسک کهن سلتیک است و نه دغدغه پذیرش نظامِ باورهای ماورایی غرب را دارد. رفتار این نسل بر سه ستون جامعه‌شناختی استوار است:

۱- اقتصاد توجه و اصالت تصویر: برای نسلی که هویت فردی‌اش در تعامل با الگوریتم‌های شبکه‌ای شکل گرفته، جهان پیرامون به مثابه یک «صحنه نمایش بصری» معنا می‌یابد. چهره‌آرایی فانتزی، پوشش‌های غیرروزمره و تمهیدات نمادین، مواد خامی برای کنشگری دیجیتال و کسب تمایز در فضای عمومی فراهم می‌آورد.

۲- میل به وارونگی هنجاری موقت (کارناوالیسم): طبق نظریه باختین، کارناوال مجالی مشروع برای گریز موقت از سلسله‌مراتب، جدیت طاقت‌فرسای روزمرگی و ملال انباشته است. نسل جوان در جست‌وجوی مجالی بی‌خطر برای شوخی با اضطراب‌ها و ابراز خویشتن به زبانی فارغ از قواعد تک‌صدایی است.

۳- فقر شدید بسترهای هیجان‌پذیری ارزان: در شرایطی که هزینه‌های تفریحات متعارف به دلیل تکانه‌های اقتصادی از سبد مصرفی بخش وسیعی از خانواده‌ها حذف شده، ابداع رویدادهای خیابانی با حداقل ابزار، پاسخی خودانگیخته به نیاز روان‌شناختی باهم‌بودن تلقی می‌شود.

غیبت کارکردی میراث کهن؛ چگونه فرهنگ ملی از نفس افتاد؟

تراژدی بزرگ در این میانه، عقیم‌سازی ذخایر نمادین ایران‌زمین است. بستر تاریخی این سرزمین مشحون از کهن‌الگوهایی است که ذاتا ظرفیت مدیریت نشاط جمعی را دارند. سنجه‌های باستانی نظیر جشن «مهرگان» در پیوند با آغاز پاییز، شب «چله»، آیین «سده»، یا کارکردهای شوخ‌طبعانه پیک‌های نوروزی («آتش‌افروزان» و «کوسه‌برنشین»)، واجد دقیق‌ترین عناصر بصری، نمایشی و هیجان‌ساز بوده‌اند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

بریتانیا و سایه اعتراضات اروپا

امکان پیوند نارضایتی‌های پراکنده و شکل‌گیری مطالبات مشترک



مهراد کچویی

اعتراضات جوانان در چند کشور اروپایی (آلمان، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا - اکتبر تا نوامبر ۲۰۲۶) این پرسش را پیش می‌آورد که نسل جوان چگونه نارضایتی‌های خود را به مطالبه‌ای سیاسی تبدیل می‌کند؟ تا زمان نگارش این یادداشت، جز چند موج محلی، شواهدی از جنبشی یکپارچه در بریتانیا وجود ندارد؛ بااین‌حال، نشانه‌ها حاکی از افزایش تحرکات است. اتحادیه ملی دانشجویان برای جمعه ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ فراخوان «اعتصاب جوانان» داده و می‌گوید بودجه پاییزی دولت به نگرانی‌های دانشجویان درباره وام، تأمین مالی آموزش و دستمزد جوانان پاسخی جدی نداده است. جدا از این فراخوان، اتحادیه دانشگاه‌ها و کالج‌ها نیز برای همان روز، دعوت به اقدام سراسری در دانشگاه‌های بریتانیا، در اعتراض به حذف رشته‌ها و تعدیل نیرو کرده است. هم‌زمانی این دو برنامه به معنای وجود رهبری یا سازمان مشترک نیست، اما نشان می‌دهد نارضایتی‌های متفاوت می‌توانند در یک مقطع زمانی به هم نزدیک شوند. اهمیت این تحولات را باید در زمینه گسترده‌تری دید. برای بخشی از جوانان، مسئله فقط یافتن شغل یا پرداخت هزینه تحصیل نیست؛ دشواری تأمین مسکن، فشار هزینه‌های روزمره و عدم اطمینان از آینده شغلی، تصویری مبهم از آینده آنان ساخته است. در چنین وضعی، تصمیم‌های عمومی درباره آموزش، اشتغال و هزینه‌کرد دولت مستقیم بر استقلال اقتصادی، انتخاب مسیر شغلی و اعتماد جوانان به نهادهای سیاسی اثر می‌گذارند. به همین دلیل، اعتراض دانشجویی را نمی‌توان فقط واکنشی صنفی دانست؛ این اعتراض گاه زبان سیاسی نسلی است که می‌خواهد بداند در برنامه آینده کشور چه جایگاهی دارد.

ادامه در صفحه ۶

سرمقاله

طرح نفوذ به حقوق ملت



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

اولین مشکل طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه ابهام در معنای کلمه نفوذ است. این کلمه فاقد معنای حقوقی معین است و تعریف نشده است. بنیاد نگاه این طرح در بند ۱ از ماده ۲ نهفته است که طبق آن «هر دولت، نهاد، مؤسسه یا سازمان غیرایرانی و نیز اشخاص حقیقی یا حقوقی که تحت حمایت، استخدام، هدایت، اشراف یا راهبری مستقیم یا غیرمستقیم آنها قرار دارند، اعم از اینکه در داخل یا خارج از کشور مستقر باشند». با این تعریف یک شرکت یا ایرانیان تاجر یا فیلم‌ساز یا روزنامه‌نگار یا استاد دانشگاه یا وکیلی که طرفشان یک تبعه یا یک شرکت غیرایرانی است، مشمول این تعریف بوده هستند و کارگزار بیگانه محسوب می‌شوند. در عرف زبان فارسی کلمه بیگانه در معنای دولت خارجی بار ارزشی منفی دارد و اگر به کسی کارگزار یا خدمتگزار بیگانه گفته شود، به او توهین شده است. این نوع نگاه به مردم قطع نظر از اینکه وهن ملت ایران است که در طول تاریخ بیگانه‌ستیز بوده و از سرزمین و فرهنگ و دین و آیین خود با خون و عرق و اشک دفاع کرده، از بنیاد مغایر اصل ۳۷ قانون اساسی است. این طرح در مواد مختلف از نقض آزادی‌های قانون اساسی تقریبا تمامی فعالیت‌های تجاری، هنری، فرهنگی، رسانه‌ای و علمی و حتی روزمره را که اندکی با یک دولت یا شرکت یا مؤسسه یا نهاد مدنی یا شخص حقیقی خارجی دول سطح یک (متخاصم) و سطح دو (دولت‌هایی که دنبال ضربه‌زدن به ایران‌اند) ارتباط داشته باشد، منوط به کسب اجازه از دستگاه‌های حکومتی کرده و تخلف از آن را با عبارت‌پردازی‌های کلی و واژگان مبهم، ناروشن و کش‌دار جرم دانسته است. طبق بند ۷ ماده ۲ فعالیت‌هایی که مشمول این طرح هستند، اگر مرتبط با شخص حقیقی یا حقوقی خارجی باشند و برای آنها مجوز خاص گرفته نشود، جرم محسوب می‌شوند و عبارت‌اند از:

نقل و انتقال پول ارائه کالا یا خدمات یا تسهیلات مالی و هر قسم تعامل اقتصادی، تجاری یا مالی دیگر.

خدمات حقوقی از قبیل وکالت با مشاوره حقوقی

تدوین یا نشر کتاب و مجله و مقاله یا ارائه گزارش یا اطلاعات یا آمار یا اخذ بورسیه یا کمک‌هزینه‌های تحصیلی و فرصت‌های مطالعاتی یا هر گونه همکاری علمی و دانشگاهی دیگر. فعالیت‌های رسانه‌ای از قبیل تعامل با رسانه‌ها یا انسان‌رسانه‌ها در قالب ارائه مشاوره یا ارائه اطلاعات یا تحلیل یا تأسیس یا اداره روزنامه، تارنما یا هرگونه رسانه حقیقی یا مجازی دیگر. تبادل نمونه‌های آزمایشگاهی پزشکی ژنتیکی، دامپزشکی، خاک، معدنی و کشاورزی. اقدامات فرهنگی و اجتماعی مانند برگزاری یا اعزام یا شرکت در کارگاه یا دوره آموزشی حضوری یا مجازی، اقامت هنری، شرکت در کنفرانس یا همایش علمی یا جشنواره هنری، اخذ گواهینامه یا مدرک یا نشان دولتی یا موارد مشابه، ساخت، اجرا یا نمایش فیلم مستند، تئاتر، موسیقی یا هنرهای تجسمی.

طبق ماده ۱۷ اگر کسی با علم به اینکه تحت حمایت، نظارت، هدایت، آموزش یا راهبری کارگزار بیگانه (هر شخص حقیقی یا حقوقی غیرایرانی) قرار دارد، پیشنهادی به دستگاه اجرائی یا قانون‌گذاری بدهد و بعد به آن پیشنهاد عمل شود اما نتیجه کار خراب شود، پیشنهاددهنده به ۳۰ سال زندان محکوم می‌شود. یعنی کسانی که آن پیشنهاد را تصویب و بعد اجرا کرده‌اند مجرم نیستند، کسی که پیشنهاد داده، مرتکب جرم است. ماده ۲۰ استفاده از اطلاعات و آمار غیرطبقه‌بندی را جرم می‌داند. مثلا اگر یک تاجر بدون مجوز قبلی در مذاکرات تجاری‌اش با طرف خارجی از آمار تولید آهن یا گاز یا نفت یا فرش یا پسته ایران که به هر دلیل منتشر نشده‌اند چیزی بگوید، مجرم است. طبق ماده ۲۷ فعالیت در فضای مجازی و حوزه‌های فرهنگی از جمله تولید یا کارگردانی فیلم و سریال مستند، تئاتر، موسیقی و کتاب و مانند آنها چنانچه مطابق مستندات ارائه‌شده توسط ضابط، تحت حمایت یا اشراف یا هدایت یا آموزش یا راهبری کارگزار بیگانه باشد، جرم است. سیاق عبارت دلالت بر این دارد که مهم نیست محتوای این فعالیت فرهنگی و هنری چه باشد. مثلا اگر کسی درمورد کودکان گرسنه سومالی در همکاری با یک مؤسسه خارجی اثری تولید کند، طبق این ماده مرتکب جرم شده است. ماده ۲۲ هرگونه مصاحبه با رسانه‌های مرتبط با دولت‌های سطح یک و دو را بدون اخذ مجوز مجرم شناخته و غیر از نقض حق آزادی بیان، ایران را عملا در یک محاصره رسانه‌ای قرار می‌دهد.

ادامه در صفحه ۴